

گزارشی از نشست یک روزه کمیته‌های تخصصی برنامه‌ی درسی ملی در اردوگاه شهید باهنر تهران

(پنج‌شنبه مورخ ۸۷/۵/۱۷)

کمیته‌های تخصصی برنامه‌ی درسی ملی از سال ۱۳۸۵ با بهره‌برداری از حضور علمی و پژوهشگرانه‌ی استادان دانشگاه، متخصصان تعلیم و تربیت، نخبگان حوزوی و معلمان مجرب با انجام پژوهش‌های مختلف شروع به فعالیت کردند. پس از نزدیک ۲/۵ سال اعضای محترم کمیته‌های مذکور برای دستیابی به ذهنیت مشترک و هماهنگی در پرونده‌های کمیته‌ها اقدام به تشکیل این نشست یک‌روزه نمودند که خلاصه‌ای از مباحث آن تقدیم شما عزیزان می‌شود:

را به هم نزدیک می‌کند. از دوستان محترم تقاضا می‌کنم بر روی نکات اصلی و کلیدی تکیه کنند و مسائل مهم را با اختصار و شفافیت مطرح کنند. امیدوارم خداوند این جمع را در انجام کار مهمی که برعهده گرفته‌اند، هدایت و حمایت فرماید. آقای صدوقی (مسئول کمیته‌ی تخصصی کلیات): وظیفه‌ی کمیته‌ی کلیات این بود که در ۴ حوزه‌ی مبانی، اصول، اهداف و رویکردها کلیات برنامه‌ی درسی ملی را تدوین کند. با توجه به

آقای ذوعلم (مدیر طرح): جلسه‌ای را که در خدمت دوستان هستیم، جلسه‌ای بسیار مهم و تأثیرگذار است؛ زیرا تیم تولید و تدوین و تیم مجری برنامه‌ی درسی ملی در جریان کارهای کمیته‌های تخصصی قرار می‌گیرند. چون هنوز در مقام جمع‌بندی و تصمیم‌گیری نیستیم، لذا اعضای کمیته‌ها و حاضران محترم نظریات را می‌شنوند و خودبه‌خود یک ذهنیت مشترک پیش می‌آید که در ادامه‌ی کار به کمک آن‌ها خواهد آمد و دیدگاه‌ها



آرمان‌های بلند اسلامی کمیته مأموریت داشت که منابع و مبانی اسلامی را بررسی و استخراج کند. در این حوزه آرای حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه، مرحوم علامه‌ی طباطبایی، شهید مطهری، شهید بهشتی و مقام معظم رهبری را فصل‌الخطاب خود قرار دادیم.

در حوزه‌ی مبانی روی مبانی انسان‌شناختی و هستی‌شناسی معرفت‌شناسی و ارزش‌شناختی کار کردیم. نگاه اسلام به انسان و هستی و روابط حاکم به هستی را احصا کردیم و چشم‌انداز انسان در عصر انتظار و نظام مبتنی بر آرمان موعود تعریف و ترسیم شد. مفاهیم تعلیم و تربیت را که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌ی درسی داشته باشد، در دستور کار خود داریم.

اهداف ما ۴ حوزه دارد: اهداف غایی، کلی، تفصیلی و جزئی که کمیته‌ی کلیات، اهداف غایی و کلی را تعیین می‌کند.

در اهداف غایی ما روی «انسان کامل نسبی عصری» تأکید داریم؛ یعنی انسانی که در موقعیت زمانی خودش و حال و هوای روانی و فکری خودش بهترین انسان باشد. چنین انسانی مستلزم به شأن خلیفه‌الله است و همواره در حال حرکت و رشد است. البته ما برای انسان کمال‌نهایی را تعریف

نمی‌کنیم؛ زیرا مدام در حال سیورورت، رشد و شدن است.

اهداف کلی که به تبع همین اهداف غایی انتخاب شده است، اهدافی پنج‌گانه است که در چهار رابطه‌ی انسان با خودش، با خدا، با نظام خلقت و با خلق تعریف شده است. اهداف کلی پنج‌گانه عبارت‌اند از: ۱. ارتقای سطح تفکر و تعقل، ۲. تعمیق باور و ایمان، ۳. ارتقای علم و معرفت، ۴. التزام عملی به مبانی و ارزش‌ها، ۵. اخلاق الهی.

ما اگر بخواهیم اهداف تفصیلی را تعریف کنیم، باید این پنج مبحث اساسی را در آن چهار رابطه تحلیل کنیم.

ما در بحث انسان‌شناسی، انسان را یک حقیقت واحد می‌دانیم که مرکب از روح و جسم است؛ هویت طبیعی و متعالی دارد؛ وجودش تعلقی است، فقیر است؛ زیرا نسبت به سایر مخلوقات مستقل ولی نسبت به مبدأ هستی متعلق و وابسته است. انسان بالقوه خلیفه‌الله است و به میزان رشدی که دارد، می‌تواند آن ظرفیت متعالی را که خداوند در او تعبیه کرده عینیت بخشد. انسان در عین ظرفیت علمی بسیار گسترده، از کرامت، شرافت و عزت نفس برخوردار است. چون انسان دارای فطرت الهی است، با حیوان تمایز ماهوی دارد.

در بحث تعلیم و تربیت اسلامی، ما با تعریف «انسان حیوان ناطق است» نمی‌توانیم به نتیجه برسیم. یعنی موجودی کمال‌جو و پویا و در حال حرکت مستمر به سوی منشأ هستی است.

در بحث هستی‌شناسی؛ جهان هستی یک واقعیت تعلقی، قانونمند، منسجم، هماهنگ و مرتبط است که شامل انسان نیز می‌شود. این جهان قانونمند به سوی یک هدف حرکت دائمی دارد: «الی‌الله‌المسیر». منشأ جهان هستی خداوند است که در سوره‌ی توحید با چهار ویژگی از او نام برده شده است: یگانگی، بی‌نیازی، نامحدودی و بی‌محدودی.

نسبت موجودات با واجب‌الوجود (خداوند)

نسبت حلول یا اتحاد نیست و جهان هستی و موجودات پدیده‌ای نیازمند و فقیر و در حال دگرگونی و شدن است. جهان هستی به یمن وجود مقدس حضرات معصومین علیهم‌السلام آفریده شده و در حال حرکت است. این حضرات مقدس واسطه‌ی حقیقی بین خلق و خداوندند که این اصل را در اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی ملی، اهداف و برنامه و رویکردها باید در نظر بگیریم.

آقای جمالی‌فر: مرجع تعیین‌کننده‌ی اهداف عالی و تفصیلی باید مشخص باشد؛ زیرا برنامه‌ی درسی ملی یک زیر نظام از آن سند تلقی می‌شود. در مفاهیم ارائه‌شده در کمیته‌ی کلیات، مربی و معلم را باید پررنگ‌تر مطرح کنیم. در اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی ملی جای جامعه خالی است.

آقای ذوعلم: در اصول حاکم بر برنامه‌ی درسی ملی باید از گفتمان حاکم بر نظام جمهوری اسلامی استفاده شود؛ زیرا وحدت ملی و عنصر پایداری و اعتبار سند مهم است. نکته‌ی بعدی تعیین تکلیف آسیب‌هاست. کدام یک از دیدگاه‌ها و نظریات علمی و با چه معیارهایی معتبر باشد و برای ما تعیین تکلیف کند؟ این که مبنای نظری برنامه‌ی درسی ملی ما چه باشد؟ هرچند که دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در چند ساله گذشته به صورت

شناختی از ادراکات ابتدایی و ساده‌ی انسانی آغاز می‌شود و تا ادراکات و استنباط‌های عقلی، انتزاعی، پیچیده، عمقی و متعالی می‌رسد. جنبه‌های عاطفی، احساسات را دربرمی‌گیرد که در خیلی از جاها، به جای عقل می‌نشیند و تصمیم می‌گیرد، که من بر توجه به جنبه‌های عاطفی به صورت برجسته‌تر تأکید دارم.

نکته‌ی دیگر این است که من هرچه فکر می‌کنم، متوجه «مفهوم انسان کامل نسبی عصری» نمی‌شوم. اگر هدف غایی حرکت به سمت هدف و انسان کامل شدن است، دیگر «نسبی» چه معنی می‌دهد؟ «عصری» نیز در حقیقت یک ویژگی انسان است اما ذاتی نیست. بنابراین دو پسوند نسبی و عصری پسوندهای روشنی نیستند.

دکتر علم‌الهدی: در بخش مبانی، چیستی انسان را باید از ویژگی‌های او جدا کرد. و این جداکردن‌ها در مبانی انسان‌شناسی و هستی‌شناسی موضوع را واضح‌تر می‌کند. در مورد چیستی انسان مناسب‌تر است درگیر مسائل تفصیلی نشوند و پس از مقدماتی در مورد وجود و هستی، فقط ویژگی‌های انسان مطرح شود که بحث جنسیت نیز در همین جا بحث می‌شود. بحث ارتباط جسم و روح نیز در همین ویژگی‌ها مطرح شود. در مورد بحث تفکیک

روشن می‌تواند ابهام‌های ما را برطرف کند. در بحث قرائت‌های مختلف، به جای تعبیر ولی خدا، بر بحث ولایت فقیه به‌عنوان هدایت‌کننده‌ی جامعه‌ی اسلامی تأکید شود. در بحث ارائه شده از کلیات، اجزا آمده ولی ساختار و پیکره مشخص نیست. در اهداف کلی ما فقط نمی‌خواهیم که دانش‌آموز ملتزم به مبانی و ارزش‌ها باشد؛ بلکه می‌خواهیم دارای مهارت‌های زندگی باشد، اهل مجاهدت و تنش‌های فعال باشد، توانمند و سالم باشد و بهداشت بدنی و سلامتی زیستی و بسیاری از موارد دیگر را در این جا بگنجانیم. عوامل تأثیرگذار بر اهداف کلی و تفصیلی مشخص شود؛ مثل بحث تأثیر جنسیتی و... در بحث اصول حاکم بر برنامه بر دو عنصر مخاطب برنامه تأکید شده که کافی نیست. بحث یاددهنده خیلی مهم است و بحث معلم و مربی به‌عنوان عنصر بسیار اساسی لحاظ شود.

دکتر علی اصغر احمدی: درست است که ما در ذهن و اعتقادمان انسان را مرکب از جسم و جان می‌دانیم، ولی این تقسیم‌بندی نمی‌تواند مفید باشد؛ زیرا این تفکیک، برنامه‌ریزی‌های ما را با مشکل مواجه می‌کند. چون قرآن شاکل است و انسان را منشأ شاکله قرار داده است و شاکله درحقیقت ترکیبی از جنبه‌های شناختی و عاطفی است. جنبه‌های